

مطالعه سبک‌شناسانه معماری مساجد دوره قاجار با تأکید بر تزئینات به‌عنوان بازتابی از هنر و قدرت

سید احسان موسوی^{۱*}

۱- استادیار، گروه معماری، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
seh.mousavi@iau.ac.ir

تاریخ دریافت: [۱۴۰۵/۱/۱۵]

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۵/۳/۲۹]

چکیده

معماری مساجد دوره قاجار یکی از مهم‌ترین عرصه‌های تداوم سنت‌های معماری ایرانی اسلامی و در عین حال بستری برای ظهور نوآوری‌های هنری، فرهنگی و اجتماعی این دوره به شمار می‌آید. در این میان، تزئینات معماری فراتر از کارکرد زیبایی‌شناختی، به ابزاری برای بازنمایی هویت، مشروعیت و قدرت تبدیل شده‌اند. با وجود پژوهش‌های متعدد درباره معماری و تزئینات قاجاری، بررسی هم‌زمان نقش تزئینات به‌عنوان بازتابی از هنر و قدرت در چارچوبی سبک‌شناسانه کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از این رو، هدف پژوهش حاضر مطالعه سبک‌شناسانه معماری مساجد دوره قاجار با تأکید بر تزئینات به‌عنوان بازتابی از هنر و قدرت است. این پژوهش با رویکردی کیفی و به روش توصیفی تحلیلی انجام شده است. داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای، بررسی اسناد تاریخی و تحلیل سه نمونه شاخص شامل مسجد آقابزرگ کاشان، مسجد نصیرالملک شیراز و مسجد سپهسالار تهران گردآوری شد. این نمونه‌ها به دلیل تفاوت در موقعیت جغرافیایی، نوع سفارش‌دهنده و تنوع ویژگی‌های تزئینی انتخاب شدند. چارچوب تحلیل پژوهش بر سه محور سبک‌شناسی معماری، نشانه‌شناسی تزئینات و بررسی نقش سفارش‌دهندگان در شکل‌گیری مضامین هنری و قدرت استوار است. یافته‌های پژوهش نشان داد که اگرچه ساختارهای اصلی معماری مساجد قاجاری همچون صحن، ایوان، شبستان و گنبدخانه تداوم سنت‌های معماری ایرانی را حفظ کرده‌اند، اما در حوزه تزئینات شاهد نوآوری‌های چشمگیری در کاشی‌کاری، گچ‌بری، کتیبه‌نگاری و شیشه‌های رنگی هستیم. نتایج همچنین نشان داد که تزئینات معماری در این بناها فراتر از کارکرد زیبایی‌شناختی عمل کرده و به ابزاری برای بازنمایی مشروعیت مذهبی، هویت اجتماعی و اقتدار سیاسی تبدیل شده‌اند؛ به گونه‌ای که در مسجد آقابزرگ بیانگر مشروعیت مذهبی و علمی، در مسجد نصیرالملک نماد تمایز اجتماعی و هویت خانوادگی و در مسجد سپهسالار ابزاری برای نمایش اقتدار و مشروعیت سیاسی دولت بوده‌اند. در نتیجه، تزئینات مساجد دوره قاجار را می‌توان هم‌زمان بازتابی از خلاقیت هنری و ابزاری نمادین برای بازنمایی قدرت و جایگاه اجتماعی دانست.

واژگان کلیدی: معماری قاجار، معماری مسجد، تزئینات معماری، سبک‌شناسی، هنر و قدرت.

۱- مقدمه

مساجد همواره از مهم‌ترین عناصر کالبدی، فرهنگی و اجتماعی شهرهای ایرانی بوده‌اند و علاوه بر ایفای نقش مذهبی، به‌عنوان بستری برای ظهور ارزش‌های هنری، فرهنگی، آموزشی و سیاسی عمل کرده‌اند. در طول تاریخ معماری ایران، این بناها نه‌تنها محل عبادت، بلکه عرصه‌ای برای بازنمایی هویت فرهنگی، مشروعیت اجتماعی و اقتدار حاکمان، نهادهای مذهبی و نخبگان محلی نیز بوده‌اند. در این میان، تزئینات معماری شامل کاشی‌کاری، گچ‌بری، آینه‌کاری، کتیبه‌نگاری، خوشنویسی و سایر عناصر آرایه‌ای، نقشی فراتر از زیبایی‌شناسی صرف داشته و به‌عنوان رسانه‌ای بصری برای انتقال مفاهیم دینی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به کار گرفته شده‌اند. دوره قاجار یکی از مهم‌ترین دوره‌های تاریخ معماری ایران محسوب می‌شود که در آن، ضمن تداوم اصول و الگوهای سنتی معماری ایرانی اسلامی، زمینه‌های نوآوری در عرصه تزئینات و بیان بصری بناها نیز فراهم شد. گسترش ارتباطات فرهنگی، تحولات اجتماعی و سیاسی، ظهور سلیقه‌های جدید هنری و رقابت میان نهادهای حکومتی، مذهبی و نخبگان محلی موجب شد تا تزئینات معماری در بسیاری از بناهای مذهبی به ابزاری برای نمایش جایگاه اجتماعی، هویت فرهنگی، مشروعیت مذهبی و قدرت سیاسی تبدیل شود. از این‌رو، مساجد دوره قاجار را می‌توان نمونه‌ای شاخص از تعامل میان سنت و نوگرایی در معماری ایران دانست؛ تعاملی که در آن، ساختارهای فضایی و کالبدی سنتی حفظ شده، اما زبان تزئینی بناها دستخوش تحولات و نوآوری‌های متعددی شده است.

بررسی مطالعات پیشین نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از پژوهش‌ها به معرفی ویژگی‌های کالبدی و تزئینی معماری قاجار، تحلیل تاریخی بناها یا مطالعه عناصر منفردی همچون کاشی‌کاری، کتیبه‌ها و نقوش معماری پرداخته‌اند. پژوهش‌های پیرنیا (۱۳۷۸)، بمانیان و همکاران (۱۳۹۰)، گربار^۱ (۱۹۸۷؛ ۱۹۹۲)، بلر و بلوم^۲ (۱۹۹۴؛ ۲۰۰۳) و سایر محققان، هر یک بخشی از ویژگی‌های سبک‌شناختی، هنری و معنایی تزئینات معماری اسلامی و قاجاری را بررسی کرده‌اند. با این حال، بخش عمده این مطالعات بر توصیف عناصر تزئینی، معرفی تکنیک‌ها یا تحلیل فرمی بناها متمرکز بوده و کمتر به رابطه میان تزئینات معماری، جایگاه اجتماعی سفارش‌دهندگان و سازوکارهای بازنمایی قدرت پرداخته‌اند. همچنین در بسیاری از پژوهش‌ها، تحلیل سبک‌شناسانه، نشانه‌شناختی و تاریخی به‌صورت مستقل انجام شده و چارچوبی یکپارچه برای تبیین نقش تزئینات به‌عنوان بازتاب هم‌زمان هنر و قدرت ارائه نشده است.

از سوی دیگر، مطالعات تطبیقی میان مساجد شاخص قاجاری در مناطق مختلف ایران محدود بوده و نقش زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و شهری در شکل‌گیری الگوهای تزئینی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این مسئله موجب شده است که فهم جامعی از چگونگی تأثیر جایگاه سفارش‌دهندگان بر انتخاب عناصر تزئینی و نحوه بهره‌گیری از معماری برای بازنمایی مشروعیت، اعتبار اجتماعی یا اقتدار سیاسی در دسترس نباشد. از این‌رو، خلأ موجود در ادبیات پژوهش ضرورت انجام مطالعه‌ای را آشکار می‌سازد که بتواند افزون بر شناسایی ویژگی‌های هنری و سبک‌شناختی تزئینات، کارکردهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن‌ها را نیز تبیین نماید.

نوآوری پژوهش حاضر در تلفیق سه رویکرد سبک‌شناسانه، نشانه‌شناختی و تاریخی آرشیوی برای تحلیل هم‌زمان ابعاد هنری، نمادین و قدرت‌محور تزئینات معماری مساجد قاجاری است. همچنین این پژوهش با مقایسه سه مسجد شاخص از سه بستر متفاوت محلی، نخبگانی و دولتی، می‌کوشد الگویی تحلیلی برای تبیین رابطه میان تزئینات معماری، هنر و قدرت در معماری مذهبی دوره قاجار ارائه کند. بر همین اساس، هدف پژوهش حاضر مطالعه سبک‌شناسانه معماری مساجد دوره قاجار با تأکید بر تزئینات به‌عنوان بازتابی از هنر و قدرت است. این پژوهش می‌کوشد با بررسی سه نمونه شاخص شامل مسجد آقابزرگ کاشان، مسجد نصیرالملک شیراز و مسجد سپهسالار تهران، الگوهای تداوم و نوآوری در تزئینات معماری را شناسایی کرده و نقش آن‌ها را در بازنمایی مشروعیت مذهبی، هویت اجتماعی و اقتدار سیاسی تحلیل نماید. پرسش اصلی پژوهش عبارت است از: «تزئینات معماری در مساجد دوره

1 Grabar

2 Blair & Bloom

قاجار چگونه به‌عنوان بازتابی از هنر و ابزاری برای نمایش و بازتولید قدرت عمل کرده‌اند و این رابطه در نمونه‌های موردی منتخب چه ویژگی‌هایی داشته است؟» بر اساس مبانی نظری و مطالعات پیشین، انتظار می‌رود تزئینات معماری در مساجد قاجاری علاوه بر ارتقای کیفیت بصری و هنری بنا، در راستای نمایش جایگاه اجتماعی و سیاسی سفارش‌دهندگان، تثبیت مشروعیت آنان و بازنمایی مناسبات قدرت نیز ایفای نقش کرده باشند.

۲- مرور مبانی نظری و پیشینه

۲-۱- مبانی نظری پژوهش

مطالعه معماری مساجد دوره قاجار نیازمند بهره‌گیری از چارچوبی نظری است که بتواند ابعاد کالبدی، هنری، اجتماعی و سیاسی این بناها را به‌صورت هم‌زمان تبیین کند. در این پژوهش، سه حوزه نظری شامل سبک‌شناسی معماری، نظریه تزئین در هنر اسلامی و مفهوم قدرت نمادین مبانی تحلیل قرار گرفته‌اند.

۲-۱-۱- سبک‌شناسی در معماری و مطالعات مساجد قاجار

سبک‌شناسی یکی از مهم‌ترین رویکردهای مطالعات تاریخ معماری است که با شناسایی و طبقه‌بندی ویژگی‌های تکرارشونده فرمی، کالبدی و تزئینی بناها، امکان شناخت روندهای تداوم و تحول معماری را فراهم می‌آورد. از دیدگاه پیرنیا، سبک‌شناسی معماری ایرانی بر مطالعه عناصر ثابت و متغیر در دوره‌های مختلف استوار است و می‌تواند رابطه میان ویژگی‌های کالبدی بنا و زمینه‌های تاریخی و فرهنگی شکل‌گیری آن را آشکار سازد (پیرنیا، ۱۳۸۷). در معماری دوره قاجار نیز سبک‌شناسی ابزاری برای تشخیص تداوم سنت‌های معماری ایرانی و در عین حال شناسایی نوآوری‌های تزئینی و فرمی محسوب می‌شود (Blair & Bloom, 1994).

در مطالعات معماری ایران، دیدگاه پیرنیا از مهم‌ترین منابع سبک‌شناسی محسوب می‌شود. وی با معرفی شیوه‌های مختلف معماری ایرانی، تلاش کرد اصول مشترک و عناصر متمایز هر دوره را شناسایی و تبیین کند. این رویکرد برای مطالعه معماری مساجد دوره قاجار اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا این دوره از یک سو ادامه‌دهنده سنت‌های معماری ایرانی - اسلامی است و از سوی دیگر تحت تأثیر تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قرن نوزدهم میلادی با نوآوری‌هایی در عرصه تزئینات و بیان معماری همراه شده است. از این منظر، مطالعه سبک‌شناسانه مساجد قاجار امکان شناسایی هم‌زمان عناصر تداوم‌یافته و عناصر نوظهور را فراهم می‌کند و زمینه لازم برای تحلیل رابطه میان هنر، تزئینات و ساختارهای قدرت را مهیا می‌سازد.

۲-۱-۲- نظریه تزئین در معماری اسلامی

تزئینات در معماری اسلامی همواره فراتر از یک عنصر صرفاً زیبایی‌شناختی تلقی شده‌اند. پژوهشگران هنر اسلامی معتقدند که هندسه، نقوش اسلیمی، نقش‌مایه‌های گیاهی، خوشنویسی و کتیبه‌ها علاوه بر ایجاد کیفیت بصری، حامل مفاهیم نمادین، فرهنگی و مذهبی نیز هستند (Grabar, 1987; 1992). گرابار معتقد است که تزئینات در هنر اسلامی نوعی نظام ارتباطی محسوب می‌شوند که میان فضا، مخاطب و جهان‌بینی دینی پیوند برقرار می‌کنند. در این دیدگاه، تزئین صرفاً پوششی برای سطوح معماری نیست، بلکه بخشی از ساختار معنایی بنا به شمار می‌رود. خوشنویسی و کتیبه‌نگاری به انتقال مفاهیم دینی و اعتقادی کمک می‌کنند و نقوش هندسی و گیاهی نیز بیانگر نظم، وحدت و کمال در جهان‌بینی اسلامی هستند. بلر و بلوم نیز تأکید می‌کنند که مطالعه تزئینات اسلامی باید به‌صورت چندلایه انجام شود؛ به گونه‌ای که علاوه بر تحلیل فرم و تکنیک، زمینه تاریخی، اجتماعی و سیاسی تولید آن‌ها نیز مورد توجه قرار گیرد (Blair & Bloom, 2003). بر این اساس، تحلیل تزئینات معماری مساجد قاجار تنها با مطالعه ظاهری عناصر تزئینی کامل نمی‌شود، بلکه باید معانی نمادین، نقش سفارش‌دهندگان و پیام‌های فرهنگی و سیاسی نهفته در آن‌ها نیز بررسی شود.

۲-۱-۳- تزئینات به مثابه بازتاب هنر و قدرت

معماری در طول تاریخ همواره ابزاری برای نمایش اقتدار، مشروعیت و منزلت اجتماعی بوده است. در بسیاری از تمدن‌ها، بناهای مذهبی و عمومی علاوه بر کارکردهای عملی، نقش مهمی در بازنمایی قدرت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایفا کرده‌اند. در این میان، تزئینات معماری یکی از مهم‌ترین ابزارهای انتقال این پیام‌ها محسوب می‌شود.

مطالعات انجام‌شده درباره معماری ایران نشان می‌دهد که در دوره قاجار نیز حکومت، نخبگان محلی و واقفان مذهبی از معماری و تزئینات برای تثبیت جایگاه اجتماعی و سیاسی خود بهره می‌گرفتند (Hillenbrand, 1984; Babaie & Grigor, 2015). انتخاب مصالح ارزشمند، اجرای کاشی‌کاری‌های گسترده، استفاده از کتیبه‌های ستایشی و ساخت بناهای شاخص در نقاط مهم شهری از جمله ابزارهایی بودند که به بازنمایی مشروعیت و قدرت کمک می‌کردند؛ بنابراین، تزئینات معماری مساجد قاجار را می‌توان در دو سطح تحلیل کرد: نخست به‌عنوان جلوه‌ای از خلاقیت و مهارت هنری و دوم به‌عنوان ابزاری نمادین برای بازنمایی قدرت، اعتبار و منزلت اجتماعی سفارش‌دهندگان.

۲-۱-۴- ویژگی‌های تزئینی و تکنیک‌های رایج در معماری مساجد قاجار

معماری دوره قاجار از منظر تزئینات یکی از متنوع‌ترین دوره‌های تاریخ معماری ایران محسوب می‌شود. در این دوره، ضمن حفظ بسیاری از سنت‌های تزئینی دوره‌های پیشین، نوآوری‌هایی نیز در شیوه اجرا، رنگ، ترکیب‌بندی و انتخاب مصالح مشاهده می‌شود. مهم‌ترین عناصر تزئینی مساجد قاجار شامل کاشی‌کاری معرق و هفت‌رنگ، گچ‌بری، مقرنس‌کاری، آینه‌کاری، خوشنویسی، کتیبه‌نگاری و در برخی موارد نقاشی‌های دیواری است (بمانیان و همکاران، ۱۳۹۰).

کاشی‌کاری هفت‌رنگ از شاخص‌ترین ویژگی‌های تزئینی این دوره به شمار می‌رود. این تکنیک امکان اجرای سریع‌تر و تنوع بیشتر در رنگ و نقوش را فراهم می‌کرد و در بسیاری از مساجد قاجاری جایگزین بخشی از کاشی‌کاری معرق دوره‌های پیشین شد. در کنار آن، استفاده از نقوش گیاهی، گل‌وبوته‌های طبیعی، ترکیبات اسلیمی و گاه تأثیرات محدود هنر اروپایی در تزئینات مشاهده می‌شود. همچنین کتیبه‌های خوشنویسی شده با خطوط ثلث، نسخ و نستعلیق نقش مهمی در انتقال پیام‌های مذهبی، فرهنگی و گاه سیاسی ایفا می‌کردند. مجموعه این عناصر موجب شد تزئینات معماری قاجار علاوه بر جنبه زیبایی‌شناختی، به ابزاری برای بیان هویت فرهنگی و اجتماعی تبدیل شوند.

۲-۱-۵- تداوم و نوآوری در معماری مساجد قاجار

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های معماری قاجار، همزیستی سنت و نوآوری است. معماران این دوره از یک سو ساختارهای بنیادین معماری ایرانی اسلامی شامل صحن مرکزی، ایوان، گنبدخانه، شبستان و حجره‌های پیرامونی را حفظ کردند و از سوی دیگر در حوزه تزئینات و جزئیات معماری به تجربه‌های جدید روی آوردند.

بررسی پژوهش‌های تاریخی نشان می‌دهد که معماری قاجار را نمی‌توان یک سبک کاملاً مستقل و گسسته از گذشته دانست، بلکه باید آن را مرحله‌ای از بازخوانی سنت‌های معماری ایران در شرایط جدید اجتماعی و فرهنگی تلقی کرد (Hillenbrand, 1983). در این دوره، استفاده از رنگ‌های متنوع‌تر، گسترش کاشی‌کاری هفت‌رنگ، توجه بیشتر به جلوه‌های بصری و در برخی موارد تأثیرپذیری محدود از معماری عثمانی و اروپا مشاهده می‌شود. از این منظر، سبک قاجاری را می‌توان نوعی وضعیت تلفیقی یا هیبریدی دانست که در آن عناصر سنتی معماری ایرانی با نیازهای جدید جامعه و خواسته‌های سفارش‌دهندگان ترکیب شده‌اند.

۲-۱-۶- نشانه‌شناسی نقوش و کتیبه‌ها در معماری مساجد

رویکرد نشانه‌شناسی امکان تحلیل لایه‌های مختلف معنایی موجود در تزئینات معماری را فراهم می‌کند. بر اساس این دیدگاه، نقوش و کتیبه‌ها تنها عناصر تزئینی نیستند، بلکه حامل پیام‌ها و معانی فرهنگی، مذهبی و اجتماعی محسوب می‌شوند. در معماری اسلامی، نقوش هندسی معمولاً نمادی از نظم، وحدت و کمال تلقی می‌شوند. نقوش گیاهی و اسلیمی نیز مفاهیمی همچون حیات، رشد و

بهشت را تداعی می‌کنند. از سوی دیگر، کتیبه‌های قرآنی علاوه بر کارکرد تزئینی، نقش مهمی در انتقال مفاهیم اعتقادی و مشروعیت‌بخشی مذهبی ایفا می‌کنند (Grabar, 1987; Blair & Bloom, 2003).

در برخی بناها، به ویژه در دوره قاجار، کتیبه‌ها علاوه بر مضامین دینی، حاوی اطلاعاتی درباره واقف، بانی یا حامیان ساخت بنا هستند. از این رو، مطالعه متن، موقعیت مکانی و شیوه اجرای کتیبه‌ها می‌تواند اطلاعات ارزشمندی درباره اهداف و انگیزه‌های سفارش‌دهندگان در اختیار پژوهشگر قرار دهد.

۲-۱-۷ نقش سفارش‌دهندگان و بافت شهری در شکل‌گیری تزئینات

مطالعه تزئینات معماری بدون توجه به نقش سفارش‌دهندگان و زمینه اجتماعی شکل‌گیری بنا ناقص خواهد بود. در دوره قاجار، گروه‌های مختلفی از جمله دربار، رجال حکومتی، علما، تجار و نیکوکاران محلی در ساخت مساجد و مجموعه‌های مذهبی مشارکت داشتند و هر یک اهداف متفاوتی را دنبال می‌کردند.

برخی از این اهداف شامل کسب مشروعیت اجتماعی، نمایش ثروت و اعتبار، ثبت نام خانوادگی، تقویت جایگاه مذهبی یا تثبیت قدرت سیاسی بود. این اهداف در بسیاری از موارد در مقیاس بنا، میزان هزینه‌کرد برای تزئینات، انتخاب محل ساخت و نوع پیام‌های بصری منعکس می‌شدند (Gharipour, 2012; Babaie & Grigor, 2015). علاوه بر این، موقعیت شهری بنا نیز بر شدت و نوع تزئینات تأثیرگذار بوده است. مساجدی که در مراکز شهری، مجاورت بازارها، میدان‌های اصلی یا مراکز حکومتی قرار داشتند، معمولاً از تزئینات گسترده‌تر و جلوه‌های بصری پررنگ‌تری برخوردار بودند؛ بنابراین، تحلیل رابطه میان تزئینات و قدرت مستلزم توجه هم‌زمان به کالبد بنا، سفارش‌دهندگان و زمینه شهری است.

جدول ۱: جمع‌بندی مبانی نظری

محور نظری	مهم‌ترین مؤلفه‌ها	کاربرد در پژوهش حاضر
سبک‌شناسی معماری	فرم، پلان، سازمان فضایی، تکنیک‌های تزئینی	شناسایی تداوم و نوآوری در مساجد قاجار
نظریه تزئین	کاشی‌کاری، گچ‌بری، کتیبه، رنگ و نقش	تحلیل هنری و کالبدی تزئینات
نشانه‌شناسی	معنا و پیام نقوش و کتیبه‌ها	استخراج دلالت‌های فرهنگی، مذهبی و سیاسی
نظریه قدرت	مشروعیت، منزلت اجتماعی و اقتدار سیاسی	تحلیل رابطه تزئینات و قدرت
نقش سفارش‌دهنده	سفارش‌دهنده، بانی و حامی مالی	تبیین اهداف شکل‌گیری تزئینات
بافت شهری	جایگاه مسجد در ساختار شهر	تحلیل نقش موقعیت مکانی در نمایش قدرت

۲-۲- پیشینه پژوهش

مطالعات انجام‌شده درباره معماری مساجد دوره قاجار را می‌توان در سه دسته کلی طبقه‌بندی کرد. دسته نخست پژوهش‌هایی هستند که بر تحلیل سبک‌شناسانه و ویژگی‌های کالبدی معماری ایران تمرکز دارند و تلاش می‌کنند تداوم و تحول شیوه‌های معماری را در دوره‌های مختلف تبیین نمایند. دسته دوم به بررسی تزئینات، نقوش، کاشی‌کاری، کتیبه‌ها و جنبه‌های زیبایی‌شناختی معماری اسلامی می‌پردازند و دسته سوم رابطه میان معماری، مشروعیت و قدرت سیاسی را مورد مطالعه قرار داده‌اند. اگرچه هر یک از این مطالعات سهم مهمی در شناخت معماری قاجار داشته‌اند، اما کمتر پژوهشی به‌صورت هم‌زمان سه مؤلفه «سبک‌شناسی معماری»، «تحلیل تزئینات» و «بازنمایی قدرت» را در مساجد دوره قاجار مورد بررسی قرار داده است. از این رو، مرور تحلیلی پیشینه پژوهش می‌تواند جایگاه و ضرورت پژوهش حاضر را روشن سازد.

جدول ۲: پیشینه پژوهش

نویسنده	هدف پژوهش	روش پژوهش	یافته‌های اصلی	محدودیت
پیرنیا (۱۳۸۷)	تبیین شیوه‌های معماری ایرانی	تحلیل تاریخی و سبک‌شناسانه	معرفی ویژگی‌های شیوه‌های معماری ایران	عدم تمرکز بر تزئینات و مفهوم قدرت
بمانیان و همکاران (۱۳۹۰)	بررسی نوآوری‌های کاشی‌کاری مساجد قاجار	مطالعه تطبیقی نمونه‌های موردی	شناسایی تحول در نقوش و رنگ‌های دوره قاجار	عدم تحلیل نقش سفارش‌دهندگان و زمینه اجتماعی
بمانیان و همکاران (۱۳۹۲)	مقایسه مسجد-مدرسه‌های صفوی و قاجاری	تحلیل تاریخی و کالبدی	تداوم الگوهای فضایی و برخی نوآوری‌های تزئینی	عدم توجه به کارکرد نمادین تزئینات
Grabar (1987)	تبیین ماهیت هنر و تزئین اسلامی	تحلیل نظری هنر اسلامی	تزئینات دارای کارکرد نمادین و معنایی هستند	فاقد مطالعه موردی درباره معماری قاجار
Grabar (1992)	بررسی نقش Ornament در هنر اسلامی	تحلیل نظری و تفسیری	تزئین فراتر از زیباسازی و حامل معنا است	عدم تمرکز بر معماری ایران
Blair & Bloom (1994)	تحلیل هنر و معماری اسلامی	مطالعه تاریخی و تطبیقی	ارتباط میان فرم، تزئین و زمینه فرهنگ	عدم تمرکز بر مفهوم قدرت در مساجد قاجار
Hillenbrand (1983)	بررسی معماری مذهبی قاجار	تحلیل تاریخی	تداوم سنت و ظهور نوآوری‌های محدود در معماری قاجار	تمرکز بیشتر بر فرم نسبت به تزئینات
Babaie & Grigor (2015)	رابطه معماری و قدرت سیاسی در ایران	تحلیل تاریخی-تفسیری	معماری ابزاری برای مشروعیت‌بخشی سیاسی است	عدم تمرکز مستقیم بر مساجد قاجار
Gharipour (2012)	تحلیل رابطه فضا و جامعه در شهر اسلامی	مطالعه تاریخی و شهری	اهمیت زمینه شهری در شکل‌گیری معماری	عدم تمرکز بر تزئینات معماری

بررسی مطالعات پیشین نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از پژوهش‌های انجام‌شده بر توصیف ویژگی‌های کالبدی، تکنیکی و هنری معماری قاجار متمرکز بوده‌اند. گروهی از پژوهشگران به تحلیل سبک‌شناسانه معماری پرداخته‌اند و گروهی دیگر تزئینات و نقش‌مایه‌های معماری اسلامی را بررسی کرده‌اند. همچنین برخی مطالعات رابطه میان معماری و قدرت سیاسی را مورد توجه قرار داده‌اند. با این وجود، سه خلأ اصلی در ادبیات پژوهش مشاهده می‌شود. نخست آنکه اغلب مطالعات، معماری، تزئینات و قدرت را به‌صورت جداگانه بررسی کرده‌اند و کمتر پژوهشی رویکردی تلفیقی در پیش گرفته است. دوم آنکه نقش سفارش‌دهندگان و بانیان در شکل‌گیری نظام تزئینات مساجد قاجار کمتر مورد توجه قرار گرفته است. سوم آنکه پژوهش‌های تطبیقی میان نمونه‌های شاخص مساجد قاجاری در شهرهای مختلف ایران محدود است و در نتیجه الگوهای مشترک و تفاوت‌های منطقه‌ای به‌خوبی تبیین نشده‌اند؛ بنابراین خلأ اصلی پژوهش حاضر، فقدان مطالعه‌ای است که به‌صورت هم‌زمان و تطبیقی، فرم معماری، نظام تزئینات، جایگاه سفارش‌دهندگان و بازنمایی قدرت را در مساجد شاخص دوره قاجار مورد بررسی قرار دهد.

نوآوری پژوهش حاضر در تلفیق سه رویکرد سبک‌شناسانه، نشانه‌شناختی و تاریخی-اجتماعی برای تحلیل مساجد دوره قاجار است. برخلاف بسیاری از مطالعات پیشین که صرفاً بر جنبه‌های کالبدی یا تزئینی تمرکز داشته‌اند، این پژوهش تلاش می‌کند نشان دهد که تزئینات معماری چگونه در ارتباط با جایگاه اجتماعی و سیاسی سفارش‌دهندگان شکل گرفته و به ابزاری برای بازنمایی مشروعیت، اعتبار و قدرت تبدیل شده‌اند. همچنین پژوهش حاضر با انتخاب سه مسجد شاخص از سه بستر متفاوت شامل مسجد آقابزرگ کاشان

(نمونه محلی - مذهبی)، مسجد نصیرالملک شیراز (نمونه خانوادگی - اشرافی) و مسجد سپهسالار تهران (نمونه دولتی - سیاسی)، امکان مقایسه الگوهای مختلف بازنمایی هنر و قدرت را در معماری قاجار فراهم می‌آورد.

۲-۳- چارچوب مفهومی پژوهش

بر اساس مبانی نظری و پیشینه پژوهش، چارچوب تحلیل حاضر بر چهار مؤلفه اصلی استوار است: سبک‌شناسی معماری، تحلیل تزئینات، نشانه‌شناسی و نظریه قدرت. در این چارچوب، فرم و سازمان فضایی بناها از طریق رویکرد سبک‌شناسانه بررسی می‌شود؛ عناصر تزئینی شامل کاشی‌کاری، گچ‌بری، کتیبه‌ها و نقوش مورد تحلیل قرار می‌گیرند؛ معانی نمادین و فرهنگی این عناصر از طریق نشانه‌شناسی تفسیر می‌شوند؛ و در نهایت رابطه آن‌ها با جایگاه اجتماعی و سیاسی سفارش‌دهندگان در چارچوب نظریه قدرت تحلیل می‌گردد.

جدول ۳: چارچوب مفهومی پژوهش

مؤلفه نظری	شاخص تحلیل	داده‌های مورد بررسی	هدف تحلیل
سبک‌شناسی	فرم، پلان، سازمان فضایی، تکنیک‌های تزئینی	پلان‌ها، تصاویر، مستندات معماری	شناسایی تداوم و نوآوری
نظریه تزئین	کاشی‌کاری، گچ‌بری، آینه‌کاری، کتیبه‌ها	عناصر تزئینی بنا	تحلیل هنری تزئینات
نشانه‌شناسی	نقوش، رنگ، کتیبه‌ها و معانی نمادین	متن کتیبه‌ها و موتیف‌ها	استخراج پیام‌های فرهنگی و دینی
نظریه قدرت	نوع سفارش‌دهنده، موقعیت شهری، مقیاس بنا	اسناد تاریخی و شواهد کالبدی	تحلیل بازنمایی قدرت

بر این اساس، پژوهش حاضر می‌کوشد از طریق تحلیل تطبیقی سه مسجد منتخب، نحوه بازتاب هنر و قدرت در نظام تزئینات معماری دوره قاجار را تبیین نماید.

۳- روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف، بنیادی-توسعه‌ای و از نظر ماهیت و روش، پژوهشی کیفی با رویکرد تفسیری است که به شیوه مطالعه موردی تطبیقی انجام شده است. هدف پژوهش، تحلیل سبک‌شناسانه معماری مساجد دوره قاجار با تأکید بر تزئینات به‌عنوان بازتابی از هنر و قدرت و تبیین نقش عناصر تزئینی در بازنمایی مشروعیت، هویت و اقتدار در بستر اجتماعی و سیاسی این دوره است. چارچوب نظری پژوهش بر تلفیق سه رویکرد اصلی استوار است: نخست، سبک‌شناسی معماری برای شناسایی الگوهای فرمی، کالبدی و تزئینی؛ دوم، نشانه‌شناسی برای تحلیل معانی و دلالت‌های نمادین نقوش، کتیبه‌ها و ترکیب‌های بصری؛ و سوم، رویکرد تاریخی-اجتماعی برای بررسی ارتباط میان تزئینات، سفارش‌دهندگان (Patrons) و ساختار قدرت. بر این اساس، تزئینات نه صرفاً عناصر زیبایی‌شناختی، بلکه به‌عنوان حامل پیام‌های فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و سیاسی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند (Grabar, 1992; Blair & Bloom, 2003).

جامعه پژوهش شامل مساجد شاخص دوره قاجار در ایران است. از میان این جامعه، سه نمونه مسجد آقابزرگ کاشان، مسجد نصیرالملک شیراز و مسجد سپهسالار تهران به‌صورت هدفمند انتخاب شدند.

معیارهای انتخاب نمونه‌ها عبارت بودند از:

۱- تعلق قطعی بنا به دوره قاجار؛

۲- برخورداری از ارزش‌های شاخص معماری و تزئینی؛

۳-تنوع در جایگاه جغرافیایی و سیاسی؛

۴-تفاوت در نوع سفارش‌دهنده (مذهبی- محلی، اشرافی- خانوادگی و دولتی- درباری)؛

۵-دسترسی به مستندات تاریخی، تصاویر و منابع پژوهشی معتبر.

به‌منظور دستیابی به اهداف تحقیق، داده‌های پژوهش از طریق مطالعات کتابخانه‌ای، بررسی اسناد تاریخی، تحلیل منابع آرشیوی، مطالعات میدانی غیرمستقیم (مستندات تصویری، نقشه‌ها و گزارش‌های معماری) و منابع معتبر داخلی و خارجی گردآوری شد. برای تحلیل داده‌ها، ماتریس تحلیلی پژوهش بر پایه چهار شاخص اصلی تدوین گردید:

الف) شاخص‌های کالبدی و سبک‌شناسانه: شامل سازمان فضایی، ساختار پلان، فرم گنبد، ایوان، شبستان، مناره‌ها و تکنیک‌های اجرایی تزئینات.

ب) شاخص‌های تزئینی: شامل کاشی‌کاری، گچ‌بری، آینه‌کاری، کتیبه‌نگاری، شیشه‌های رنگی، نقوش هندسی و گیاهی.

ج) شاخص‌های نشانه‌شناختی: شامل محتوای نمادین نقوش، مضامین کتیبه‌ها، دلالت‌های مذهبی، اجتماعی و سیاسی تزئینات.

د) شاخص‌های قدرت و سفارش‌دهنده: شامل نوع سفارش‌دهنده، جایگاه اجتماعی و سیاسی وی، موقعیت شهری بنا و نحوه بازنمایی قدرت از طریق معماری و تزئینات.

فرآیند تحلیل در چهار مرحله انجام شد: ۱- مستندسازی و استخراج ویژگی‌های کالبدی و تزئینی هر مسجد؛ ۲- تحلیل سبک‌شناسانه عناصر معماری و تزئینی؛ ۳- تحلیل نشانه‌شناختی نقوش، کتیبه‌ها و الگوهای بصری؛ ۴- مقایسه تطبیقی نمونه‌ها بر اساس ماتریس تحلیل و استخراج الگوهای مشترک و متفاوت در بازنمایی هنر و قدرت که در این راستا جدول (۲) چارچوب تحلیلی پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۴: چارچوب تحلیل پژوهش

هدف تحلیل	مؤلفه‌ها	بعد تحلیل
شناسایی تداوم و نوآوری در معماری قاجار	پلان، سازمان فضایی، گنبد، ایوان، مناره، تکنیک‌های تزئینی	سبک‌شناسانه
بررسی ویژگی‌های بصری و هنری	کاشی‌کاری، گچ‌بری، آینه‌کاری، شیشه رنگی، کتیبه	تزئینی
استخراج معانی نمادین و فرهنگی	نقوش هندسی، اسلیمی، کتیبه‌ها، رنگ	نشانه‌شناختی
تبیین رابطه تزئینات با مشروعیت و بازنمایی قدرت	نوع سفارش‌دهنده، موقعیت شهری، کارکرد اجتماعی بنا	قدرت و سفارش‌دهنده

در نهایت، نتایج حاصل از تحلیل تطبیقی سه نمونه موردی با یکدیگر مقایسه شد تا الگوهای مشترک و متمایز در نحوه استفاده از تزئینات به‌عنوان بازتاب هنر و ابزار نمایش قدرت در معماری مساجد دوره قاجار شناسایی و تبیین گردد. از محدودیت‌های پژوهش می‌توان به دسترسی محدود به برخی اسناد آرشیوی، وقف‌نامه‌ها و مدارک مالی مرتبط با ساخت بناها و همچنین تأثیر مرمت‌ها و تغییرات دوره‌های بعدی بر برخی عناصر تزئینی اشاره کرد. با وجود این محدودیت‌ها، بهره‌گیری از منابع معتبر تاریخی و مطالعات تخصصی معماری، امکان دستیابی به نتایجی قابل اتکا را فراهم کرده است.

۴- یافته‌ها

یافته‌های پژوهش بر اساس چارچوب نظری تحقیق و با استفاده از تحلیل سبک‌شناسانه، نشانه‌شناختی و تاریخی-اجتماعی سازمان‌دهی شده است. در این بخش سه مسجد آقابزرگ کاشان، نصیرالملک شیراز و سپهسالار تهران به‌عنوان نمونه‌های شاخص معماری مذهبی دوره قاجار مورد بررسی قرار گرفته‌اند تا نحوه بازنمایی هنر و قدرت از طریق تزئینات معماری تحلیل شود.

✓ مسجد آقابزرگ کاشان

مسجد-مدرسه آقابزرگ یکی از شاخص‌ترین نمونه‌های معماری مذهبی میانه دوره قاجار است که در آن تداوم سنت‌های معماری ایرانی بیش از نوآوری‌های کالبدی مشاهده می‌شود. تحلیل سبک‌شناسانه نشان می‌دهد که سازمان فضایی بنا مبتنی بر الگوی سنتی مسجد-مدرسه ایرانی شامل حیاط مرکزی فرورفته، ایوان مرتفع، گنبدخانه و شبستان‌های ستون‌دار است. این ویژگی‌ها بیانگر استمرار سنت‌های معماری دوره‌های پیشین، به‌ویژه صفوی، در دوره قاجار هستند.

از منظر تزئینی، مهم‌ترین عناصر شامل کاشی‌کاری هفت‌رنگ و معرق، گچ‌بری‌های ظریف و مقرنس‌کاری در فضاهای داخلی است. برخلاف برخی بناهای متأخر قاجاری، در این مسجد استفاده از عناصر تزئینی جدید محدود بوده و تأکید اصلی بر کیفیت اجرای تزئینات سنتی مشاهده می‌شود.

تحلیل نشانه‌شناختی نشان می‌دهد که غالب نقوش به کار رفته شامل اسلیمی‌ها، نقوش گیاهی و الگوهای هندسی است که همراه با کتیبه‌های قرآنی و مذهبی، هویت آموزشی و دینی بنا را تقویت می‌کنند. رنگ‌های غالب آبی، فیروزه‌ای و لاجوردی نیز با سنت بصری معماری اسلامی ایران همخوانی دارند.

از منظر رابطه تزئینات و قدرت، یافته‌ها نشان می‌دهد که در این مسجد تزئینات بیش از آنکه ابزار نمایش قدرت سیاسی باشند، در خدمت نمایش اعتبار علمی، مذهبی و اجتماعی سفارش‌دهندگان قرار گرفته‌اند؛ بنابراین بازنمایی قدرت در مسجد آقابزرگ عمدتاً در سطح قدرت محلی و مشروعیت مذهبی قابل تفسیر است.

جدول ۵: یافته‌های مسجد آقابزرگ کاشان

بعد تحلیل	یافته اصلی	برداشت پژوهشی
سبک‌شناسی	تداوم الگوی سنتی مسجد-مدرسه ایرانی	حفظ سنت معماری ایرانی
تزئینات	کاشی‌کاری، مقرنس و گچ‌بری سنتی	تأکید بر مهارت‌های بومی
نشانه‌شناسی	غلبه کتیبه‌های مذهبی و نقوش اسلیمی	تقویت هویت دینی و آموزشی
قدرت	نمایش اعتبار مذهبی و اجتماعی	بازنمایی قدرت محلی

✓ مسجد نصیرالملک شیراز

تحلیل سبک‌شناسانه مسجد نصیرالملک نشان می‌دهد که ساختار کلی بنا همچنان از الگوی سنتی مساجد ایرانی پیروی می‌کند، اما در حوزه تزئینات نوآوری‌های قابل توجهی مشاهده می‌شود. مهم‌ترین ویژگی این مسجد استفاده گسترده از شیشه‌های رنگی در شبستان شرقی است که تجربه فضایی متفاوتی نسبت به سایر مساجد قاجاری ایجاد کرده است.

در حوزه تزئینات، کاشی‌کاری هفت‌رنگ با رنگ‌های گرم، نقوش گل‌وبوته و ترکیب‌های رنگی متنوع نقش برجسته‌ای دارند. برخلاف مسجد آقابزرگ، در این بنا رنگ به یکی از عناصر اصلی هویت بصری تبدیل شده است.

تحلیل نشانه‌شناختی نشان می‌دهد که نور و رنگ علاوه بر کارکرد زیبایی‌شناختی، حامل پیام‌های نمادین نیز هستند. حضور گسترده شیشه‌های رنگی، ترکیب‌بندی‌های گل‌دار و کتیبه‌های تزئینی، نوعی نمایش ذوق هنری، منزلت اجتماعی و سرمایه فرهنگی سفارش‌دهنده را آشکار می‌سازد.

بررسی زمینه تاریخی و اجتماعی بنا نشان می‌دهد که سفارش‌دهنده، یعنی میرزا حسن‌علی‌خان نصیرالملک، تلاش داشته است از طریق خلق بنایی متمایز، جایگاه خاندان خود را در ساختار اجتماعی شیراز تثبیت کند. از این رو تزئینات در این مسجد علاوه بر کارکرد هنری، ابزاری برای بازنمایی اعتبار اجتماعی و هویت خانوادگی محسوب می‌شوند.

جدول ۶: یافته‌های مسجد نصیرالملک شیراز

بعد تحلیل	یافته اصلی	برداشت پژوهشی
-----------	------------	---------------

سبک‌شناسی	حفظ ساختار سنتی همراه با نوآوری تزئینی	تداوم همراه با تحول
تزئینات	شیشه‌های رنگی و کاشی‌کاری هفت‌رنگ	خلق هویت بصری متمایز
نشانه‌شناسی	نور و رنگ به‌عنوان عناصر نمادین	بازنمایی ذوق و منزلت اجتماعی
قدرت	تأکید بر اعتبار خاندان سفارش‌دهنده	بازنمایی قدرت اجتماعی و فرهنگی

✓ مسجد سپهسالار تهران

مسجد سپهسالار بزرگ‌ترین و شاخص‌ترین نمونه مورد بررسی است. تحلیل سبک‌شناسانه نشان می‌دهد که این بنا ض‌من حفظ عناصر اصلی معماری ایرانی، از مقیاسی متفاوت و سازمان فضایی گسترده‌تری برخوردار است. وجود صحن وسیع، ایوان‌های مرتفع، حجره‌های آموزشی متعدد و مناره‌های بلند، بیانگر رویکردی نمایشی در طراحی بنا است. در سطح تزئینات، کاشی‌کاری‌های گسترده، باندهای کتیبه‌ای، مقرنس‌کاری و تزئینات پرحجم در نماها مشاهده می‌شود. میزان و گستره تزئینات در این مسجد نسبت به دو نمونه دیگر بیشتر بوده و به بخشی از هویت کالبدی مجموعه تبدیل شده است. تحلیل نشانه‌شناختی نشان می‌دهد که کتیبه‌ها، مقیاس بنا و شکوه تزئینات حامل پیام‌های اقتدار، نظم و مشروعیت هستند. برخلاف مسجد نصیرالملک که بر تجربه حسی تأکید دارد، در مسجد سپهسالار تزئینات عمدتاً در خدمت بازنمایی اقتدار و عظمت قرار گرفته‌اند.

بررسی زمینه تاریخی بنا نیز نشان می‌دهد که ساخت مسجد به دستور میرزا حسین‌خان سپهسالار، صدراعظم ناصرالدین‌شاه، صورت گرفته است؛ بنابراین تزئینات و شکوه معماری این مجموعه را می‌توان بخشی از سیاست بازنمایی قدرت و مشروعیت دولت قاجار در پایتخت دانست.

جدول ۷: یافته‌های مسجد سپهسالار تهران

بعد تحلیل	یافته اصلی	برداشت پژوهشی
سبک‌شناسی	مقیاس بزرگ و ساختار نمایشی	معماری در خدمت اقتدار
تزئینات	کاشی‌کاری و کتیبه‌های گسترده	تأکید بر شکوه و عظمت
نشانه‌شناسی	کتیبه‌ها و مقیاس به‌عنوان نشانه قدرت	مشروعیت‌بخشی سیاسی
قدرت	بازنمایی اقتدار دولتی	نمایش قدرت رسمی حکومت

✓ تحلیل تطبیقی سه نمونه موردی

نتایج مقایسه‌ای نشان می‌دهد که هر سه مسجد در سطح کالبدی از الگوهای سنتی معماری ایرانی پیروی می‌کنند و تداوم ساختارهای فضایی مسجد ایرانی در آن‌ها قابل مشاهده است. با این حال تفاوت‌های معناداری در شیوه استفاده از تزئینات و کارکرد نمادین آن‌ها وجود دارد.

جدول ۸: مقایسه تطبیقی سه مسجد مورد مطالعه

شاخص	مسجد آقابزرگ	مسجد نصیرالملک	مسجد سپهسالار
نوع سفارش‌دهنده	عالم و نجیب‌گان محلی	خاندان اشرافی محلی	دولت و دربار
ویژگی غالب سبک‌شناسانه	تداوم سنت	تداوم همراه با نوآوری	مقیاس نمایشی
عنصر تزئینی شاخص	کاشی‌کاری و گچ‌بری	شیشه رنگی و نور	کتیبه و کاشی‌کاری گسترده
پیام نمادین غالب	مشروعیت مذهبی	منزلت اجتماعی	اقتدار سیاسی
نوع قدرت بازنمایی‌شده	محلی و مذهبی	اجتماعی و خانوادگی	دولتی و سیاسی

نتایج تطبیقی نشان می‌دهد که اگرچه تزئینات در هر سه مسجد دارای کارکرد هنری و زیبایی‌شناختی هستند، اما نقش آن‌ها فراتر از زیباسازی بوده و به‌عنوان ابزاری برای بازنمایی اشکال مختلف قدرت عمل می‌کنند. در مسجد آقابزرگ قدرت مذهبی و علمی، در

مسجد نصیرالملک قدرت اجتماعی و خانوادگی و در مسجد سپهسالار قدرت سیاسی و دولتی از طریق نظام تزئینات معماری بازنمایی شده است. این یافته‌ها بیانگر آن است که تزئینات معماری در دوره قاجار نه تنها بازتاب ذوق هنری، بلکه بخشی از سازوکار تولید و نمایش قدرت در جامعه بوده‌اند.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تحلیل سبک‌شناسانه معماری مساجد دوره قاجار با تأکید بر تزئینات به‌عنوان بازتابی از هنر و قدرت انجام شد. برای دستیابی به این هدف، سه مسجد شاخص دوره قاجار شامل مسجد آقابزرگ کاشان، مسجد نصیرالملک شیراز و مسجد سپهسالار تهران با بهره‌گیری از رویکردی تلفیقی مشتمل بر تحلیل سبک‌شناسانه، نشانه‌شناختی و تاریخی-اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفتند. نتایج پژوهش نشان داد که معماری مذهبی دوره قاجار در عین حفظ ساختارهای بنیادین معماری ایرانی، در حوزه تزئینات شاهد تحول و نوآوری چشمگیری بوده است. این وضعیت بیانگر آن است که معماری قاجار نه گسستی کامل از سنت و نه تکرار صرف الگوهای پیشین، بلکه حاصل تعامل میان تداوم سنت و پذیرش نوآوری‌های متناسب با شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی زمانه بوده است.

پاسخ به پرسش اصلی پژوهش مبنی بر اینکه «تزئینات معماری در مساجد دوره قاجار چگونه به‌عنوان بازتابی از هنر و ابزاری برای نمایش و بازتولید قدرت عمل کرده‌اند و این رابطه در نمونه‌های موردی منتخب چه ویژگی‌هایی داشته است؟» نشان می‌دهد که تزئینات در این دوره صرفاً عناصر زیبایی‌شناختی و زینتی نبوده‌اند، بلکه به‌عنوان نظامی ارتباطی و نمادین، پیام‌های فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و سیاسی را به مخاطبان منتقل می‌کرده‌اند. بررسی نمونه‌های موردی نشان داد که نوع، میزان و شیوه استفاده از تزئینات ارتباط مستقیمی با جایگاه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی سفارش‌دهندگان بنا داشته است. از این رو، تزئینات را می‌توان یکی از مهم‌ترین ابزارهای بازنمایی هویت، مشروعیت و اقتدار در معماری مذهبی دوره قاجار دانست. یافته‌های پژوهش نشان داد که در مسجد آقابزرگ کاشان، تزئینات بیش از هر چیز در خدمت تثبیت مشروعیت مذهبی، اعتبار علمی و منزلت اجتماعی بانیان محلی قرار داشته است. حضور کتیبه‌های قرآنی، کاشی‌کاری‌های متناسب با عملکرد آموزشی مسجد-مدرسه و ترکیب متعادل عناصر تزئینی با ساختار معماری، بیانگر آن است که هنر تزئینی در این بنا در جهت تقویت هویت دینی و جایگاه اجتماعی نخبگان مذهبی به کار گرفته شده است. در این نمونه، تزئینات بیشتر بازتاب‌دهنده قدرت فرهنگی و مذهبی هستند تا قدرت سیاسی.

در مسجد نصیرالملک شیراز، تزئینات کارکرد متفاوتی پیدا می‌کنند. استفاده گسترده از شیشه‌های رنگی، کاشی‌کاری‌های هفت‌رنگ، ترکیب‌های رنگی گرم و نورپردازی طبیعی، تجربه‌ای منحصربه‌فرد از فضا ایجاد کرده است که فراتر از کارکردهای مذهبی صرف قرار می‌گیرد. نتایج نشان می‌دهد که در این بنا، تزئینات علاوه بر ارزش‌های هنری و زیبایی‌شناختی، ابزاری برای نمایش منزلت اجتماعی، تمایز هویتی و تثبیت نام و اعتبار خاندان نصیرالملک بوده‌اند؛ بنابراین، هنر تزئینی در این مسجد به بستری برای بازنمایی سرمایه فرهنگی و اجتماعی سفارش‌دهنده تبدیل شده است.

در مقابل، مسجد سپهسالار تهران نمونه‌ای شاخص از پیوند مستقیم معماری، تزئینات و قدرت سیاسی در دوره قاجار محسوب می‌شود. مقیاس بزرگ مجموعه، مناره‌های متعدد، کتیبه‌های گسترده، تزئینات پرشکوه و موقعیت بنا در پایتخت، همگی نشان‌دهنده تلاش برای نمایش اقتدار حکومت و مشروعیت ساختار سیاسی حاکم هستند. در این نمونه، تزئینات نه تنها در خدمت زیبایی بنا، بلکه در راستای بازنمایی قدرت رسمی دولت و تقویت پیوند میان نهاد دین و حکومت عمل کرده‌اند.

مقایسه تطبیقی سه نمونه موردی نشان داد که اگرچه ساختارهای اصلی معماری ایرانی در تمامی بناها حفظ شده‌اند، اما کارکرد نمادین تزئینات در هر بنا متناسب با نوع سفارش‌دهنده و زمینه شکل‌گیری آن متفاوت است. بر این اساس، می‌توان سه الگوی اصلی بازنمایی

قدرت در تزئینات مساجد قاجار را شناسایی کرد: نخست، قدرت مذهبی و علمی در مسجد آقابزرگ؛ دوم، قدرت اجتماعی و هویتی در مسجد نصیرالملک؛ و سوم، قدرت سیاسی و حکومتی در مسجد سپهسالار. این موضوع نشان می‌دهد که تزئینات در معماری قاجار دارای ماهیتی چندلایه بوده و هم‌زمان نقش‌های هنری، نمادین و قدرت‌محور را بر عهده داشته‌اند.

از منظر نظری، نتایج پژوهش مؤید دیدگاه پژوهشگرانی همچون گربار، بلر و بلوم است که تزئینات اسلامی را فراتر از عناصر زیبایی‌شناختی دانسته و آن‌ها را حامل معانی فرهنگی، اعتقادی و اجتماعی معرفی کرده‌اند. همچنین یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که تحلیل سبک‌شناسانه زمانی می‌تواند به درک دقیق‌تری از معماری قاجار منجر شود که در کنار بررسی ویژگی‌های کالبدی و هنری، زمینه‌های تاریخی، اجتماعی و جایگاه سفارش‌دهندگان نیز مورد توجه قرار گیرد.

نوآوری اصلی پژوهش حاضر در ارائه رویکردی تلفیقی برای مطالعه تزئینات مساجد قاجار است؛ رویکردی که به‌جای تمرکز صرف بر توصیف عناصر تزئینی، ارتباط میان ویژگی‌های سبک‌شناسانه، نظام معنایی تزئینات و ساختار قدرت را مورد بررسی قرار می‌دهد. در واقع، این پژوهش تلاش کرده است شکاف موجود در مطالعات پیشین را که عمدتاً بر جنبه‌های تاریخی یا کالبدی متمرکز بوده‌اند، با ارائه تحلیلی هم‌زمان از هنر، نشانه و قدرت تا حدودی برطرف سازد.

با وجود این، پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی نیز مواجه بوده است. دسترسی محدود به برخی اسناد آرشیوی، وقف‌نامه‌ها، صورت‌حساب‌های ساخت و مدارک مرتبط با فرآیند سفارش بناها، امکان تحلیل مستقیم انگیزه‌های اقتصادی و سیاسی سفارش‌دهندگان را کاهش داده است. همچنین تمرکز پژوهش بر سه نمونه شاخص، هرچند امکان مطالعه عمیق را فراهم ساخته، اما تعمیم نتایج به تمامی مساجد دوره قاجار را با محدودیت‌هایی همراه می‌کند.

بر این اساس، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده با بررسی نمونه‌های بیشتر در مناطق مختلف ایران، استفاده گسترده‌تر از اسناد تاریخی و آرشیوی و بهره‌گیری از رویکردهای میان‌رشته‌ای در حوزه تاریخ، جامعه‌شناسی هنر، مطالعات فرهنگی و میراث معماری، به تحلیل دقیق‌تر نقش تزئینات در فرآیندهای مشروعیت‌بخشی و بازنمایی قدرت بپردازند. همچنین ایجاد بانک اطلاعاتی جامع از کتیبه‌ها، نقوش، الگوهای تزئینی و ویژگی‌های سبک‌شناسانه مساجد قاجار می‌تواند زمینه انجام مطالعات تطبیقی گسترده‌تر و تحلیل‌های کمی را در آینده فراهم آورد.

در مجموع، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تزئینات مساجد دوره قاجار صرفاً عناصر زینتی نبوده‌اند، بلکه بخشی از نظام معنایی و ارتباطی معماری محسوب می‌شدند که از طریق آن ارزش‌های هنری، هویت فرهنگی، مشروعیت مذهبی و اقتدار سیاسی به مخاطبان منتقل می‌شد؛ بنابراین، تزئینات در معماری مساجد قاجار را می‌توان هم «بازتاب هنر» و هم «ابزار قدرت» دانست؛ عناصری که در قالب رنگ، نقش، نور، خط و فرم، تصویری چندلایه از جامعه، فرهنگ و ساختار قدرت در ایران دوره قاجار را در کالبد معماری ماندگار ساخته‌اند.

۶- تشکر و قدرانی

نویسنده مراتب سپاس و قدردانی خود را از تمامی پژوهشگران و صاحب‌نظرانی که وی را در انجام این پژوهش یاری کردند، ابزار می‌دارد.

۷- تعارض منافع

نویسنده اعلام می‌کند که هیچ‌گونه تعارض منافی در ارتباط با این پژوهش وجود ندارد.

۸- بیانیه استفاده از هوش مصنوعی

نویسنده اعلام می‌کند که در طراحی پژوهش، گردآوری داده‌ها، تحلیل داده‌ها، نگارش، ترجمه و ویرایش این مقاله از هیچ‌گونه ابزار هوش مصنوعی مولد استفاده نکرده است.

۹- منابع

- ۱- بمانیان، محمدرضا؛ مؤمنی، کورش؛ و سلطان‌زاده، حسین (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی ویژگی‌های طرح معماری مسجد - مدرسه‌های دوره قاجار و مدارس دوره صفویه. *معماری و شهرسازی آرمان شهر*، ۶ (۱۱)، ۳۴-۱۵.
- ۲- بمانیان، محمدرضا؛ مؤمنی، کورش؛ و سلطان‌زاده، حسین (۱۳۹۰). بررسی نوآوری و تحولات تزئینات و نقوش کاشی‌کاری مسجد - مدرسه‌های دوره قاجار. *نگره*، ۶ (۱۸)، ۴۷-۳۵.
- ۳- پیرنیا، محمدکریم؛ و معاریان، غلامحسین (۱۳۸۷). سبک‌شناسی معماری ایرانی. تهران: انتشارات سروش دانش.
- ۴- شوکتندی، سیده مهدیه؛ و هاشمی زرج آباد، حسن (۱۳۹۹). بررسی تحلیلی مضمون کتیبه‌های دو بنای شاخص قاجاری در شهر شیراز (مسجد نصیرالملک و مسجد مشیرالملک). *مطالعات ایران‌شناسی*، ۶ (۱)، ۸۸-۱۰۶.
- 5- Babaie, S., & Grigor, T. (Eds.). (2015). *Persian kingship and architecture: Strategies of power in Iran from the Achaemenids to the Pahlavis*. I.B. Tauris.
- 6- Blair, S. S., & Bloom, J. M. (1994). *The art and architecture of Islam, 1250–1800*. Yale University Press.
- 7- Blair, S. S., & Bloom, J. M. (2003). The mirage of Islamic art: Reflections on the study of an unwieldy field. *The Art Bulletin*, 85(1), 152–184. <https://doi.org/10.1080/00043079.2003.10787065>
- 8- Bosworth, C. E., & Hillenbrand, C. (Eds.). (1993). *Qajar Iran: Political, social, and cultural change, 1800–1925*. Mazda Publishers.
- 9- Gharipour, M. (Ed.). (2012). *The bazaar in the Islamic city: Design, culture, and history*. The American University in Cairo Press. <https://doi.org/10.5743/cairo/9789774165290.001.0001>
- 10- Grabar, O. (1987). *The formation of Islamic art (Rev. ed.)*. Yale University Press.
- 11- Grabar, O. (1992). *The mediation of ornament*. Princeton University Press. <https://doi.org/10.2307/jj.5425903>
- 12- Hillenbrand, R. (1984). The role of tradition in Qajar religious architecture. In C. E. Bosworth & C. Hillenbrand (Eds.), *Qajar Iran: Political, social, and cultural change, 1800–1925: Studies in honour of L. P. Elwell-Sutton* (pp. 352–382). Edinburgh University Press.



A Stylistic Study of Qajar Period Mosque Architecture with Emphasis on Decorations as a Reflection of Art and Power

Seyyed Ehsan Mousavi^{1*}

1-Assistant Professor, Department of Architecture, Yadegar-e-Imam Khomeini (RAH) Shahr-e Rey Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

seh.mousavi@iau.ac.ir

Extended Abstract

Aims: Mosques have long been among the most significant religious, cultural, and urban elements of Iranian cities. Beyond their spiritual function, they have historically served as platforms for the expression of artistic values, social identity, and political authority. During the Qajar period (1789–1925), Iranian architecture experienced a distinctive condition characterized by the simultaneous preservation of traditional architectural principles and the emergence of new decorative approaches. Architectural ornamentation—including tilework, stucco decoration, mirror work, inscriptions, geometric patterns, floral motifs, and colored glass—played a fundamental role not only in beautifying religious spaces but also in communicating ideological, social, and political messages. Although numerous studies have investigated the architectural characteristics and decorative elements of Qajar monuments, relatively few have examined ornamentation as a medium through which art and power were simultaneously represented. Therefore, the present study aims to investigate the stylistic characteristics of Qajar mosque architecture with particular emphasis on architectural ornamentation as a reflection of both artistic expression and symbolic power. The study seeks to identify patterns of continuity and innovation in Qajar mosque decoration and to explain how ornamentation contributed to the representation of religious legitimacy, social prestige, and political authority.

Materials & Methods: This research adopts a qualitative approach and is based on a comparative case-study methodology. The study combines stylistic analysis, semiotic interpretation, and historical-archival investigation to provide a multidimensional understanding of architectural ornamentation. Three prominent Qajar mosques were selected as case studies: Agha Bozorg Mosque in Kashan, Nasir al-Mulk Mosque in Shiraz, and Sepahsalar Mosque in Tehran. These monuments were chosen because of their architectural significance, geographical diversity, historical importance, and distinctive decorative programs. Data collection was conducted through documentary studies, architectural surveys, visual analysis of decorative elements, and examination of historical and archival sources. The analytical framework was structured around three principal dimensions. The first dimension focused on stylistic characteristics, including spatial organization, architectural form, decorative techniques, and material application. The second dimension addressed semiotic aspects, examining inscriptions, geometric patterns, vegetal motifs, color schemes, and symbolic meanings embedded within decorative compositions. The third dimension investigated patronage, historical context, and manifestations of power through the analysis of patrons, socio-political circumstances, urban location, and intended audiences. Comparative analysis was then undertaken to identify similarities and differences among the selected mosques and to evaluate the relationship between architectural ornamentation, artistic expression, and power representation.

Findings: The findings reveal that all three mosques preserved the fundamental structural principles of traditional Iranian-Islamic mosque architecture, including courtyards, iwans, domed chambers, and prayer halls. Nevertheless, significant differences emerged in the decorative language and symbolic functions of ornamentation. In Agha Bozorg Mosque, ornamentation primarily reflected local religious legitimacy and scholarly authority. Decorative elements such as tilework, stucco carvings, geometric compositions, and Quranic inscriptions reinforced the educational and religious identity of the mosque-school complex. The

decorative program emphasized continuity with established architectural traditions while simultaneously demonstrating the craftsmanship and cultural prestige of local patrons. Consequently, ornamentation functioned as a medium for expressing social respectability and intellectual status rather than overt political power. Nasir al-Mulk Mosque presented a different approach. The extensive use of colored stained-glass windows, vibrant tilework, and elaborate floral motifs created a unique sensory experience based on the interaction of light and color. Here, ornamentation transcended conventional aesthetic functions and became an instrument of social distinction and familial prestige. The decorative environment reflected the economic resources, artistic aspirations, and cultural ambitions of its patron. Through the careful orchestration of color, light, and ornament, the mosque established a highly recognizable architectural identity within the urban landscape of Shiraz. The findings concerning Sepahsalar Mosque demonstrated the strongest relationship between ornamentation and political authority. Constructed under the patronage of Mirza Hossein Khan Sepahsalar, a prominent statesman of the Qajar court, the mosque employed monumental scale, extensive inscription bands, elaborate tilework, and highly visible urban forms to project governmental legitimacy and institutional power. Decorative elements were integrated into a broader political narrative aimed at strengthening connections between religion and state authority. In this case, ornamentation served not merely as an artistic expression but also as a deliberate strategy of symbolic representation. The comparative analysis further demonstrated that ornamentation fulfilled three major functions across the studied examples: reinforcing local religious and educational legitimacy, expressing social distinction and family prestige, and communicating state-sponsored political authority. These functions varied according to the nature of patronage, urban context, and intended audience.

Conclusion: The study concludes that architectural ornamentation in Qajar mosques cannot be interpreted solely through aesthetic criteria. Rather, ornamentation constituted a complex visual language through which artistic creativity, cultural identity, religious legitimacy, social status, and political power were simultaneously communicated. The stylistic analysis revealed that the Qajar period should not be understood as a complete departure from previous architectural traditions but rather as a hybrid condition in which traditional Iranian forms were preserved while decorative innovation expanded significantly. The comparative investigation demonstrates that the meaning and function of ornamentation were strongly influenced by patronage structures and socio-political contexts. In locally sponsored religious complexes, decoration primarily reinforced scholarly and religious legitimacy; in elite family-sponsored monuments, it expressed social prestige and cultural distinction; and in state-sponsored projects, it became an instrument of political representation and symbolic authority. Therefore, ornamentation operated as both an artistic achievement and a mechanism of power. The research contributes to the existing literature by integrating stylistic, semiotic, and historical perspectives into a unified analytical framework. It also highlights the importance of incorporating archival documentation and patronage studies into future investigations of Islamic architectural ornamentation. Further interdisciplinary research involving architectural history, social history, and political studies may provide a deeper understanding of how visual culture participated in the construction and communication of power in Qajar Iran.

Keywords: Qajar Architecture; Mosque Architecture; Architectural Ornamentation; Stylistic Analysis; Art and Power.



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)